



بسم الله الرحمن الرحيم

مراسم مربوط به مسئله‌ی درخت و گیاه و گل، به طور طبیعی يك طراوتی دارد و خوشبختانه احساس میشود که در کشور میل به سمت اهتمام به مسئله‌ی گل و گیاه و وضعیت بوستانها و استفاده‌ی از این جهت در سالم‌سازی محیط زیست، تقویت میشود؛ ما از این خرسندیم. بخصوص آن چیزی که بنده را تشویق کرد که امروز در این جلسه با حضور شما دوستان شرکت کنم، این بود که اینجا متعلق به بخش کم‌برخوردارتر از شهر تهران است؛ بخش محروم تهران. وجود يك چنین بوستانی، يك چنین امکانی در این بخش از تهران، به نظر فرصت بسیار خوب و مغتنمی است. خرسندیم که بحمدالله در نهایت بین مسئولین امر - یعنی کسانی که این مجموعه متعلق به آنها بود، و کسانی که امروز از آن بهره‌برداری میکنند؛ یعنی شهرداری و نیروهای مسلح - توافق برقرار شد و اینجا ان شاءالله سرانجام خوبی خواهد یافت.

مسئله‌ی گیاه و بوستان و درخت و این چیزها جزو مسائل اصلی است؛ اینها را جزو مسائل فرعی نباید به حساب آورد. درست است که در شمارش مسائل اساسی کشور، چشمها و نگاه‌ها به سمت اقتصاد، به سمت فرهنگ، به سمت مسائل پولی، به سمت مسائل سیاسی کشانده میشود - معمولاً اینجور است - لیکن اگر با دقت نگاه کنیم، مسائلی که مربوط به زیست انسانی است، بیشتر از آنها اهمیت دارد. سیاست برای چیست؟ اقتصاد برای چیست؟ خدمات گوناگون شهری و کشوری برای چیست؟ اصلاً پیشرفت کشور برای چیست؟ پیشرفت برای این است که انسانها زندگی سالم و مطلوبی داشته باشند. اگر محیط زیست تخریب شد، همه‌ی اینها باطل خواهد شد. اهمیت محیط زیست اینجاست. واقعاً اگر ما به مسئله‌ی آب، خاک، هوا و آن چیزهایی که منتهی میشود به این چیزها - مثل مراتع، مثل منابع طبیعی، مثل جنگلها، مثل وضع شهرسازی - نپردازیم، زندگی مردم شیرین نخواهد شد. صنعت و پیشرفت صنعتی و درآمدهای فزاینده‌ی کشور و افتخارات گوناگون علمی، متن زندگی و واقعیت زندگی را شیرین نمیکند؛ همه‌ی اینها باید مقدمه باشد برای اینکه مردم زندگی سالم و شیرین و مطلوب داشته باشند. از جمله‌ی چیزهایی که مساس مستقیم دارد، مسئله‌ی محیط زیست است، محیط زندگی انسانهاست، مسئله‌ی آب و هواست. آن وقت ریشه‌های آن، بنیانهای آن، که خاک است و جنگل است و درخت است و بقیه‌ی چیزها، اهمیت درجه‌ی يك پیدا میکند.

من خواهش میکنم مسئولینی که در بخشهای مختلف هستند، به این نکته توجه کنند که نگاه به مسئله‌ی آب و هوا، نگاه به مسئله‌ی غبار، نگاه به مسئله‌ی دود، نگاه به مسئله‌ی هوای سالم، نگاه به مسئله‌ی آب سالم، نگاه به محیط زیست سالم، نگاه به مسئله‌ی جنگلها، نگاه‌های اصلی است؛ اینها را در متن برنامه‌ها، در مجاری همه‌ی برنامه‌های زندگی بگنجانند.

بعضی از این گزارشهایی که داده شد، گزارشهایی است که باید در بین مسئولین داده شود، در دولت باید داده شود، در مجلس باید مطرح شود، در محاسبات بیاید.

بنابراین من بر روی مسئله‌ی محیط زیست - که حالا مسئله‌ی بوستان، يك نمونه از کاری است که مربوط به محیط زیست است - تکیه میکنم. مسئله‌ی محیط زیست خیلی مهم است. مسئله‌ی منابع طبیعی بسیار مهم است. منابع طبیعی ثروتهای ملی‌اند؛ مال این دولت و آن دولت و این وزیر و آن وزیر که نیستند؛ اینها مال ملت‌هاست؛ آن هم نه ملتها در يك نسل؛ ثروتی است متعلق به ملتها در طول تاریخشان؛ از اینها باید استفاده کنند. روی مسئله‌ی تخریب جنگلها حساس باشید. فشار به جنگلها زیاد است. جنگلها را باید حفظ کرد. منابع طبیعی و مراتع را باید حفظ کرد.

حالا آقایان مسئولین دولتی اینجا حضور دارند؛ من جداً از این طرح باغشهرها نگرانم. آقای رئیس‌جمهور هم چند بار با من مطرح کردند، به ایشان هم گفتم. من میدانم چه پیش می‌آید، سوءاستفاده‌چی‌ها چه کار خواهند کرد. با



این دید نگاه کنید که راه را باز نکنید. یک عده‌ای سوءاستفاده‌چی‌اند. هر جا که برای یک کار عام‌المنفعه‌ای در نظر گرفته میشود - همین آمارهائی که آقای شهردار محترم دادند - من میدانم و مطمئنم که یک عده‌ای نشسته‌اند و کمین گرفته‌اند ببینند چطور میتوانند این طعمه را بریابند. جنگلهای اطراف شهر هست، زمینهای جنگلی و مناطق جنگلی هست - که خب، اینها با زحمت زیاد و در طول سالیان زیاد به وجود آمده - نگاهشان به اینهاست. من گاهی به ارتفاعات میروم، از آنجا نگاه میکنم، می‌بینم چه اتفاقی دارد می‌افتد. بارها هم به شهرداریهای مختلف این مطلب را گفتم. البته فقط کار شهرداری نیست؛ مجموعه‌های مرتبط با شهرسازی، مجموعه‌های مرتبط با مراعات، همه باید همکاری کنند. نگذارید تهران بیش از این بزرگ شود، نگذارید به زمینهای جنوب البرز اینقدر تعرض شود؛ جلوی اینها را بگیرید. یک عده‌ای هستند که فقط دنبال پولند، مسئله‌شان مسئله‌ی پول است؛ دیگر نگاه نمیکنند که حالا این جائی که آنها دارند برای پول تخریب میکنند، تصرف میکنند، به چه قیمتی برای کشور، برای مردم، برای شهر تهران تمام خواهد شد؛ هیچ برایشان اهمیت ندارد. آن کسی که دیدبان و پاسبان و پاسدار این منافع ملی است، شماها هستید؛ نباید بگذارید.

طرحهای فضای سبز اینجا - حالا آقای شهردار محترم گفتند، قبلاً هم من گزارشش را دیدم - نزدیک سیصد هکتار زمین است؛ این خیلی مهم است. ایشان میگویند میخواهیم دویست و بیست هکتارش را فضای سبز درست کنیم. شما باید مواظب آن بقیه باشید. هشتاد هکتار زمین وسط شهر، چیز کمی نیست. اینجا زمینهای است که متر مترش محاسبه دارد. شما اینجا هشتاد هکتار زمین دارید؛ مراقب باشید که چه اتفاقی بناست برای این زمینها بیفتد. شماها بحمدالله خودتان پاکید، اهل هیچگونه استفاده‌ی سوء نیستید؛ اما اینجور نیست که تمام محیط زندگی، خالی از آدمهای سوءاستفاده‌جو باشد. مراقب باشید طرحهای که میخواهید اینجا اجرا کنید، از بیرون محیط شماها برایش طراحی نشده باشد؛ با بعضی از توجیه‌های گوناگون، توجیه‌های اقتصادی، تأسیس مرکز تجاری. همین طور بقیه‌ی جاها. حالا اینجا بزرگترین است، اینجا مهمترین است، اما تهران باز هم مراکز دیگر دارد؛ مراکزی که میتوان در آنها فضای سبز درست کرد، میتوان فضای تنفسی برای تهران درست کرد، میتوان ریه‌های تهران را تقویت کرد. حقیقتاً ریه‌های تهران ضعیف است.

تهران شهر بزرگی است و جمعیت زیادی دارد. با همه‌ی زحمتهایی که شما کشیدید، فضای سبز در این شهر، خیلی کمتر از آن مقداری است که باید باشد. البته امروز با دوره‌ی پیش از انقلاب طرف‌نسبت نیست - من خب، آن وقت می‌آمدم تهران، تهران را میدیدم؛ شهر کثیف شلوغ همیشه بدهوای آلوده، بوستانها هم خیلی محدود، امکانات هم خیلی کم؛ امروز بحمدالله آنجوری نیست؛ تهران، تهران دیگری است - لیکن در عین حال هنوز فضای سبز تهران کم است. شما از بالا که اینجا را نگاه میکنید، می‌بینید تهران یک شهر متراکمی است. بیش از اینها بایستی اینجا باز شود و این شهر فضای تنفسی پیدا کند. مراقب باشید جاهائی که در مناطق گوناگون شهر در اختیارتان هست، اینها در خدمت فضای سبز قرار بگیرد.

یک عددی را ذکر کردند که این مقدار هکتار به بیت‌المال برگشته. من به ذهنم آمد که خب، این مقدار از چه مقدار است. نسبت مهم است. اینجاها رقم مطلق اهمیتی ندارد. باید دید نسبت این مقداری که برگشته، از آن مقداری که برگشته، چیست؛ این است که به ما خواهد فهماند که ما پیشرفت کردیم یا نه. باید جوری باشد که پیشرفت کنیم. به هر حال بوستانها - همان طور که عرض کردیم - ریه‌های تنفسی شهرند. این کار، بسیار کار خوبی است. من هر سال یک دو سه تا درخت میکاشتم، لیکن در مراسم اینجوری شرکت نمی‌کردم؛ اما امسال چون کار بزرگی است که دارد انجام میگیرد، بخصوص همان طوری که گفتم، در جنوب شهر تهران است، در این مراسم شرکت کردم. اینجا نیاز فراوان است، اینجا تراکم خیلی زیاد است - تراکم جمعیت و تراکم ساختمان - امکانات هم کم است. بنابراین، این کار، بخصوص برای این بخش تهران یک چیز لازمی بود و من شرکت کردم. ان شاءالله موفق باشید این کار را پیش ببرید.

آقای شهردار محترم به من گفتند که ما تا خرداد سال آینده شصت هکتار این را تحویل میدهیم. ان شاءالله همه‌تان منتظر باشید، سوم خرداد بیائید اینجا شصت هکتار تحویل بگیرید!



این بخش فرهنگی هم که اشاره کردید، بسیار بخش مهمی است. مسئله‌ی فرهنگ را خیلی جدی بگیرید. فرهنگ، روح است. همه‌ی اینهایی که گفتیم، جسم زندگی است. این جسم زندگی يك روحی دارد؛ آن روح، فرهنگ است. اگر چنانچه فرهنگ با جهت دینی و جهت الهی باشد، طبعاً همان چیزی خواهد شد که مورد نظر اسلام و انسانهای پاکیزه و معصوم است.

من برای همه‌ی شماها دعا میکنم؛ برای مسئولین، کارکنان، کمک‌کاران، کسانی که همت می‌گذارند، کسانی که تصمیم می‌گیرند، کسانی که تصمیم می‌سازند. خداوند ان شاءالله کمکتان کند و همه‌ی شماها را موفق و مؤید بدارد. والسلام علیکم ورحمةالله